

موضوع: آثار دنیوی علم نافع از کلام امام صادق (ع)

مرجان امیدی ملایری^۱

چکیده:

سخن از آثار و ثمرات علم نافع است، آثاری که آن قدر چشمگیرند که حتی بر افراد جاهل نیز پوشیده نمانده‌اند. این ثمرات را می‌توان از یک جهت به دو دسته عمده تقسیم نمود: آثار مادی، آثار معنوی که در این پژوهش به آثار معنوی آن پرداخته شده است. این مقاله که با روش توصیفی و با استفاده از اسناد نوشتاری و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است درصدد است تا به هدف خود که بیان آثار علم نافع است برسد. بعد از بررسی‌های انجام گرفته دریافتیم که آثار دنیوی علم نافع از کلام امام صادق (ع) ترس از خدا، هدایت انسان، صبر، بیداری در مقابل شبهات، راهنمای عقل، ارزش دار شدن عبادت از آثار داشتن علم نافع می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: علم، علم نافع، امام صادق (ع)

^۱- سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام علیها)

۱- مقدمه:

علم، کسی را به حال خود وانمی گذارد، یا او را به هلاکت ابدی می رساند یا به حیات ابدی. دغدغه دستیابی به دانش، از آغازین روز حیات بشر با او بوده است؛ اما از این کنجکاوی فطری مهم تر، جهت دادن به آن در راستای علمی است که برای او مفید و کارآمد باشد.

براساس آموزه های دینی علم آموزی بسیاری مورد تأکید اسلام است اما مقصود هر علمی نیست بلکه علمی که راهگشای راه هدایت انسان به سوی پروردگار باشند که در این صورت نافع بوده و بایستی همه ی عمر در همه جا عالم به دنبال آن ها بود!

بدون شک حرکت انسان در این جهان، حرکتی تکاملی است و در جهت رسیدن به سعادت و کمال واقعی است. و از طرفی آفرینش انسان به گونه ای است که کمال او جز به اعمال اختیاری حاصل نمی شود و عمل اختیاری نیز نیازمند شناخت کمال و راه رسیدن بدان است. بنابراین برای دست یابی به کمال عالی تر باید به دنبال کسب علم باشد.

با این توصیف به خوبی می توان دریافت که علم نافع و چگونگی تحصیل آن برای بشر امروز ترسیم شود، تأثیر شگرفی در تکامل و ترقی انسان ها خواهد گذاشت و افق تازه ای را در ماورای دید انسان می گشاید.

با توجه به اهمیت ویژه علم نافع و تحصیل آنکه در جهت تکامل انسان نقش مؤثری دارد و در این زمینه از نظر نهج البلاغه حضرت علی (ع) تحقیقات بسیاری انجام شده و محقق درصدد این است که آثار علم نافع را از نظر رئیس مذهب شیعه امام صادق «ع» بفهمد و بداند و بررسی کند.

وسعت علمی که امام صادق «ع» از آنها برخوردار بود برکسی پوشیده نیست. محققان شیعی و اهل سنت آن حضرت را پیشوا و پیشگام در بسیاری از علوم می دانند. نقش آن حضرت در نشر علوم مختلف و ترویج حدیث، از گفتار و نوشتار و نیز تربیت شاگردانش پیداست.

امام صادق «ع» بنیان گذار دانش هایی بوده است که جامعه بشری به آنها نیازمند می باشند. دانش پزشکی، کلام، فلسفه، تربیت، اخلاق، عرفان، حدیث، فقه، تفسیر، روان شناسی، حیوان شناسی و... از جمله دانش هایی هستند که پیشوای ششم به مشتاقان معارف آموخته است.

مهمترین امتیاز گزارش های علمی امام صادق «ع» از اسرار هستی، این است که به همراه ارائه نکات علمی و تحقیقی، درس توحید و خداشناسی و هدایت انسان به سوی حق را مدنظر قرار می دهد و همانند کلام وحی افراد را به تدبر و تحقیق و تفکر در صنع الهی دعوت می کند. پژوهش حاضر به چند سؤال اساسی پاسخ می دهد:

۱- علم نافع چیست؟

۲- آثار دنیوی علم نافع از کلام امام صادق «ع» کدام است؟

و این موضوع در قالب این ساختار:

حقیقت علم نافع و راه های وصول به آن چیست؟، ضرورت شناخت آثار و فواید حاصل از چنین علمی چیست؟، کاربرد آن در قرآن چیست؟، اهمیت و ضرورت چنین علمی از نظر امام صادق «ع» که خزائن علم الهی اند، چیست؟ و در ادامه، در پرتو مفهوم شناسی علم نافع، به بیان ویژگی ها و خصوصیات آن پرداخته شده است.

از جمله مقالات مربوط به علم نافع می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. علم نافع و تدین اخلاقی دو بال تکوین تمدن نوین اسلامی

نویسنده: قاسمی، فرامرزی؛ عساریان نژاد، حسین؛

مجله: مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی- تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۹ علمی- پژوهشی.

۲. بررسی و نقد شرح دکتر عبدالحسین خسروپناه از «رویکرد استاد مطهری به علم و دین»

نویسنده: نجف پور آقابیکلو، عزیز؛ گیتی پسند، فاطمه؛

مجله: پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲۷ علمی-

پژوهشی/ ISC (۱۴ صفحه- از ۱۵۷ تا ۱۷۰).

۲. مفهوم شناسی

۲-۱ علم در لغت

علم، در لغت مصدری است به معنای درک حقیقت چیزی، دریافت، شناخت و دانش^۱ و در اصطلاح حکما، صورت هر چیزی است که در عقل حاصل می شود، یا حاصل شدن صورت دانسته شده از چیزی است به طور نقش بستن در نیروهای عقل و نفس که آن را ذهن می گویند. ذهن، از جهتی مانند آینه است و علم مانند نقش بستن دیده شده ها در آن می باشد.

۱. لويس معلوف، المنجد في اللغة و الاعلام، المكتبة الشرقية، ساحه النجمه بيروت، ۱۹۹۸م، ص ۵۲۶

۲-۲ علم در اصطلاح

در اصطلاح متکلمین، صفتی است که شیء برای صاحب علم به آن منجلی می شود و یا اینکه علم صفتی است که برای صاحبش تمیز و تشخیص و شناختی به دست می دهد که احتمال نقیض در آن نمی رود، هر چند این شناخت به وساطت حواس باشد. در اصطلاح علماء تدوین، عبارتست از دانستن مسائل مضبوطی در جهت واحدی، برای شناخت امری کلی.^۱

معنای مورد نظر در این تحقیق، همان معنای لغوی واژه علم می باشد؛ یعنی علم به معنای درک حقیقت، دریافت، شناخت و دانش.

نکته ای که نباید از آن غفلت ورزید این است که تعریف علم در مکاتب مختلف متفاوت است هر چند که وجه مشترکی نیز بین همه آن ها وجود دارد؛ وجه مشترک آن ها این است که همه به دانستن چیزی که انسان قبلاً نمی دانست، علم می گویند، اما اسلام تنها دانشی را علم می نامد که جهت توحیدی داشته و بر خوف و خشیت او بیافزاید. لذا قرآن کریم در آیه ۲۸ سوره فاطر می فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می ترسند. و در روایات متعددی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «كَفَى بِخَشْيَةِ اللَّهِ عِلْمًا؛ علم برای خشیت و ترس از خدا کافی است».^۲

۲-۳ نافع:

این واژه مشتق از کلمه‌ی «نفع» است، که همراه با سایر مشتقات این ریشه، به دفعات بسیار در قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین «ع» به کار رفته اند. «نفع» در لغت به معنای فایده و بهره، خیر، یعنی وسیله ای که انسان را به مطلوبش می رساند، معنا شده و در تمامی کتابهای لغت ضد «ضرر» دانسته شده است.^۳ گاهی به معنای اثر سوء و زیان، آمده است.^۴

۱. علی کمالی دزفولی، شناخت قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۷۴، ص ۲۷

۲. بحارالأنوار، ج ۲، ص ۲۷

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالعلم

۴. قرشی، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۴، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه

۲-۴ علم نافع:

شهید مطهری در تعریف نافع بودن علم، هر نوع فایده و اثر داشتن را کافی می‌داند. از منظر ایشان، علم نافع علمی است که متضمن فایده و اثر بوده، آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد. اما برای فهم معنا و مفهوم فایده و اثر نیز می‌باید به این نکته توجه نمود که هر علمی که به منظوری از منظوره‌های فردی یا اجتماعی اسلام کمک دهد و ندانستن آن سبب زمین خوردن آدمی گردد، آن علم را اسلام توصیه می‌کند. اما در مقابل، هر علمی که نتایج سوء در بر داشته باشد یا در منظوره‌های اسلامی، تأثیری نداشته و یا اساساً اسلام درباره‌ی آن علم نظر خاصی ارائه نداده است از منظر تعالیم الهی، مورد تأیید نبوده، باید آن را رها نمود.^۱

بنابراین با توجه به تعریف فوق، می‌توان به تعریفی کلیدی برای «علم نافع» راه یافت: هر علمی که حداقل فایده‌ی دینی داشته باشد علم نافع است. منظور از فایده‌ی دینی رسیدن به گوهر و حقیقت دانش است، که همان نور علم است.

۲-۵ امام صادق «ع»:

از مطالعه‌ی تاریخ زندگی امام صادق «ع» و دانشمندان و شخصیت‌های معاصر آنان به روشنی این حقیقت به دست می‌آید که حضرت در علم و عمل برترین شخصیت‌های روزگار خویش بودند، هرگز در پاسخ سؤالی که از آنان می‌شد، فرو نمی‌ماندند، نزد هیچ کس دانش و معرفت کسب نکردند.

درباره عظمت علمی امام صادق (ع) همین بس که دانشمندان مسلمان (تشیع و تسنن) و غیرمسلمان جایگاه علمی او را قبول داشتند و در برابر آن سر تعظیم فرود می‌آوردند و برتری علمی او را می‌ستودند.

مناظرات ائمه بزرگوار خصوصاً امام جعفر صادق (ع) با منکران و ملحدان و منحرفین زیاد است، عامل پیروزی ائمه در این مناظرات خردورزی، برهان و عقلانیت در برابر آنان بوده است. در کتاب مناہج التوسل از شیخ عبدالرحمن بن محمد بسطامی حنفی (۸۵۸ ق) نوشته شده است که:

۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، ده گفتار، تهران، صدرا

۶-۲-۹ راهنمای عقل

امام صادق (علیه السلام) در زمینه آفرینش عقل می فرماید: «ان الله عزوجل ان الله جل ثناؤه خلق العقل وهو اول خلق خلقه من الروحانيين عن العرش من نوره فقال له ادبر فادبر ثم قال اقبل فاقبل فقال الله تبارك و تعالی خلقتك خلقاً عظيماً و كرمْتُك على جميع خلقی...»^۱

خداوند عزوجل عقل را آفرید یعنی بدون واسطه آن را خلق فرمود. بنابراین تنها عقل آفریده بدون واسطه خداوند است و بقیه ممکنات توسط عقل آفریده شده اند. نخستین آفریده از روحانیان است زیرا روحانیان جوهری نورانی هستند که تعلق به اجسام ندارد و لذا تمامی انوار عقلی دارای یک حقیقت اند و تفاوتی بین آنها در ماهیت و عوارض آنها نیست بلکه تفاوت به جهت شدت و ضعف و کمال و نقص در اصل نور و وجود آنهاست. از آنجاییکه جانب راست جانب قوی تر است و جانب قوی تر در ترتیب موجودات آن مرتبه ایست که پس از مرتبه حق است پس هر موجودی در زنجیره اسباب، ذاتی نزدیک به خداست بنابراین او نسبت به موجود بعدی خود طرف راست می باشد، چون قوی تر و برتر است. مراد از عرش که تکیه گاه رحمان است همانند جوهری متوسط بین عالم عقل ثابت محض (خالص) و بین عالم تغیر و تجدد می باشد؛ خواه این متغیرات نفوس باشند و یا اجسام، خداوند عقل را از نور ذات خود که آن نور عین ذات آفریده است زیرا روحانیان تمامی از نور ذات او خلق شده اند.^۲

پیامبر اکرم (ص): والعلمُ امامُ العقل؛^۳

علم و دانش پیشوا و راهنمای عقل است.

۶-۲-۱۰ بیداری در مقابل شبهات

امام صادق علیه السلام می فرماید: «التَّيَقُّةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ تقيه، سپر مؤمن است و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد.» در روایتی دیگر از آن حضرت چنین آمده است: «التَّيَقُّةُ تُرْسُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ؛ تقيه سپر خدا است میان او و میان خلق او (یعنی مانع عذاب خدا و نزول بلا است)^۴

۱. کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱

۲. صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ص ۴۰۲-۴۰۰

۳. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۲۸، جامعه مدرسین، چ چهارم

۴. شرح از علامه مجلسی

همچنین در کلام حضرت صادق علیه السلام است که: «التَّقِيَّةُ تَرُسُ الْمُؤْمِنِ وَالتَّقِيَّةُ حِرْزُ الْمُؤْمِنِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ حَدِيثِنَا فَيَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ، فَيَكُونُ لَهُ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَنُورًا فِي الْآخِرَةِ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ حَدِيثِنَا فَيَذِيعُهُ فَيَكُونُ لَهُ ذُلًّا فِي الدُّنْيَا وَيَنْزِعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ النُّورَ مِنْهُ؛ تَقِيَّة، سِرِّ مؤمن است، تقیه، نگهدار مؤمن است. به راستی بنده ای هست که حدیثی از ما به دست او می رسد [و مأمور به کتمان است] و او میان خود و خدای عز و جل نسبت بدان دینداری می کند. پس وسیله عزّت او است در دنیا، و نور است در دیگر سرای؛ و بنده ای هست که حدیثی از ما به دستش می افتد و آن را آشکار می سازد و در دنیا خوار می شود و خدای عزّ و جلّ آن نور را از او می گیرد».

امام صادق (ع): الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ؛^۱

آن که نسبت به زمان خود داناست گرفتار امور اشتباه انگیز و مایه گمراهی نمی شود.

نتیجه گیری:

انسان وقتی پا به عرصه وجود می گذارد، سوای امور غریزی و فطری که در درون او به ودیعه نهاده شده، نسبت به دیگر حقائق پیرامون خود بی اطلاع و ناآگاه است، او با بهره بردن از ابزار حسی و عقلی که خداوند در اختیارش قرار داده با دنیای اطراف خود آشنا می گردد و با گذر زمان حقائق عالم را یکی پس از دیگری در می یابد. دانش بسان چراغی فراروی او تاریکی های جهل را می شکافد و او را با افق های تازه ای از اسرار عالم آشنا می گرداند. علم، ابزار حرکت و تکامل انسان می گردد و هر چه بر دانش او افزوده می شود، مجهولات او به معلومات، تاریکی هایش به روشنائی تبدیل شده و مسیر حرکت را به سوی بالاترین نقطه کمال به او می نمایاند. و حتی خود علم کمال برای نفس بشری می گردد و به قول فیلسوف بزرگ و حکیم متألّه مرحوم ملاصدرا نفس انسان در پرتو علم سعه وجودی می یابد و به درجه بالاتری از مراتب وجود صعود می کند. این مقاله با هدف بررسی آثار علم نافع از دیدگاه امام صادق (ع) مورد بررسی قرار گرفت و به سوالات تحقیق از جمله تعریف علم نافع و آثار علم نافع پرداخته شد. در نتیجه دریافتیم که ترس از خدا، هدایت انسان، صبر، بیداری در مقابل شبهات، راهنمای عقل، ارزش دار شدن عبادت از آثار داشتن علم نافع می باشد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۷

منابع:

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دارصادر، س ۱۴۱۴ق.
۲. بسطامي، عبدالرحمن بن محمد، مناهج التوسل في مباحج الترسل، مجمع ذخاير اسلامي، قم، نسخه خطي عربي، ص ۳۹.
۳. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۷۸۲، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۴. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۸۵، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۵. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۸۷۲، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۶. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۹۵، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۷. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۲۰۰، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۸. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۲۰۲، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۹. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۲۹۵، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۱۰. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۳۶۶، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۱۱. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۳۲۹، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.
۱۲. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم، ج ۱، ص ۵۳۵، ناشر: دارالكتاب الاسلامي، قم- ايران، ۱۴۱۰ق يا ۱۹۹۰م.

۱۳. جعفری، محمدتقی، علم از دیدگاه اسلام، چاپ اول، تهران، سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران، ۱۳۶۰.
۱۴. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۸۷، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، چ چهارم، ۱۴۱۶ق.
۱۵. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۲۸، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، چ چهارم.
۱۶. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ج ۱، بخش ۲، ص ۸۹، جامعه مدرسین.
۱۷. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، ص ۲۰۴، ترجمه احمد آرام.
۱۸. خطیب، عبدالغنی، قرآن و علم امروز، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۲.
۱۹. الخزاز القمی الرازی، ابی القاسم علی بن محمد بن علی (متوفای ۴۰۰هـ)، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۲۵۸، تحقیق: السید عبداللطیف الحسینی الکوه کمری الخوئی، ناشر: انتشارات قم، ۱۴۰۴.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم.
۲۱. شهرستانی، محمد، ج ۱، ص ۲۷۲، منشورات شریف رضی، قم، ایران.
۲۲. صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ص ۲۹-۳۰، محقق: حسن کوچه باغی، ناشر: منشورات الاعلمی: تهران، ۱۴۰۴هـ.ق.
۲۳. طباطبائی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمد باقر؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ترجمه مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت.
۲۷. قرشی، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۴، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۷۴.

۲۹. الكليني الرازي، ابوجعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق، (متوفى ۳۲۸هـ)، الاصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۹۹، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲هـ.ش.
۳۰. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۱، ص ۳۲ (ط-الاسلاميه)، تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷.
۳۱. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۲، ص ۴۱۵، تحقيق: تصحيح و تعليق: على اكبر غفاري، چاپ: ۱۳۶۳ش، چاپخانه: حيدري، ناشر: دارالكتب الاسلاميه- طهران.
۳۲. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۲، ص ۶۸، (ط-الاسلاميه)،
۳۳. المجلسي، محمدباقر، (متوفى ۱۱۱۱هـ)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبارالائمة الاطهار، ج ۲، ص ۹۱، تحقيق: محمدالباقر البهبودي، ناشر: مؤسسه الوفاء- بيروت- لبنان، الطبعة: الثانية المصححه، ۱۴۰۳هـ- ۱۹۸۳م.
۳۴. مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۶، حديث ۱۶، ناشر: دارالكتب الاسلاميه.
۳۵. معلوف، لويس، المنجد في اللغة والاعلام، المكتبة الشرقيه، ساحه النجمه بيروت، ۱۹۹۸م.
۳۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، ده گفتار، تهران، صدرا.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۸۸.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۵، ۱۴۰۰-۴۱۱۳، به نقل از الترغيب والترهيب / ۱/۱۲۴/۱.
۳۹. نوری، میرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱ ف ص ۲۹۶-۲۹۸، ناشر: مؤسسه آل البيت (ع) الاحياء التراث- بيروت.